

علاوه بر سوابق نسبتاً روشن و انکارناپذیر پروژه نظامی مشترک «پرح» میان اسرائیل و رژیم پهلوی، شواهدی قابل پی گیری در دست داریم که مشاوران اسرائیلی در زمان حاکمیت پهلوی با ساختن الگوهای به ظاهر موفق مصرف بی رویه آب در بخش کشاورزی، روند ورشکستگی آبی ایران را آغاز کرده اند.

تمام این‌ها می‌تواند به این معنی انگاشته شود که حاکمیت تروریستی اسرائیل از پیش از انقلاب اسلامی، ایران را به عنوان یک واحد ژئوپلیتیک قدرتمند قابل تحمل نمی‌دانسته و برای تضعیف و حتی نابودی آن تلاش می‌کرده است. در این میان، نوع مواجهه آنان با حاکمیت و خاندان پهلوی نیز چنان بوده که آنان را کارگزاران خود، اما نه چندان قابل اعتماد می‌دانسته‌اند. اسرائیلی‌ها گاهی با مخفی‌کاری، گاهی با فریب، و گاهی با بی‌اعتنایی با خاندان و حاکمیت پهلوی برخورد می‌کرده‌اند و واقعاً همین شیوه‌ها می‌رساند که آنان پهلوی‌ها را نه متحد یا طرف حساب دیپلماتیک که کارگزار غیرقابل اعتماد خود می‌دانسته‌اند. اما قسمت پایانی، اسرائیل دشمن ایران و فلسطین است؟ قبول. دشمن بدی هم هست؟ قبول. این چه ربطی به دنیا دارد؟ دنیا می‌خواهد کنار او آسوده زندگی کند. راستش این آسودگی ممکن نیست، چنان که با هیتلر هم ممکن نبود. بعضی چیزها هستند که دستاورد کوتاه‌نیامدنی هزاره‌های زندگی بشری است. یکی از این دستاوردها که بسیار مهم و مذاکره‌ناپذیر است، رد نظام حاکمیتی تبعیض‌گراست. تبعیض در همه جای دنیا هست، اما نه تنها بد تلقی می‌شود که در اردیبهشت ۱۳۷۳ در یک انتخابات آزاد، جهان شادمانه شاهد حذف آخرین حاکمیت آپارتاید از کره زمین بود: حاکمیت آفریقای جنوبی.

این شادی تنها تا شنبه ۲۹ تیر ۱۳۸۷ دوام آورد، روزی که حاکمیت تروریستی اسرائیل «قانون ملت - دولت مردمان یهودی» را به عنوان یک قسمت از قانون اساسی تاکنون نانوشته خود تصویب کرد. این اعلام جنگ به جهانی است که تبعیض را برای همیشه دفن کرده بود. این بازگشت به آپارتاید و تبعیض تنها یک مدعای روزنامه‌نگارانه ایرانی نیست. دیدبان حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در گزارش خود که با نام «آستانه‌ای گذر شده: مقامات اسرائیل و جنایات آپارتاید و آزار و شکنجه» در تاریخ سه شنبه ۷ اردیبهشت ۱۴۰۰ در بیش از ۲۰۰ صفحه منتشر شد بر این موضوع تأکید کرده است.

ما به یک روایت نو و ایرانی از اسرائیل نیاز داریم و فرصتی نیست که بگوییم روایت یعنی چه و باید مراقب باشیم که روایت را با خیلی چیزها اشتباه نگیریم. ان شاء الله دیگران در فرصت‌های دیگر به این موضوع خواهند پرداخت. اینجا به این چند اشاره فشرده اکتفا می‌کنم:

- روایت «دیدگاه» نیست.
- روایت ابزار تبلیغی نیست.
- روایت ابزار یا عرصه جنگ نیست.
- روایت گزارش مطبوعاتی نیست.
- روایت دادخواست قضایی نیست.
- روایت داستان نیست.
- قبل از همه این‌ها روایت، بخشی از حافظه انسانی است که کارکردی شناختی دارد، روایت یک ابزار شناخت است.